

نگاهی به مجموعه «آنگ آن یتیم نظر کرده» اثر محمدرضا سرشار

# چگونه می‌توان در باره پیامبر (ص) رمان نوشت



«آنگ آن یتیم نظر کرده» بیش از آنکه درباره یک فرد باشد، درباره یک جامعه است. نویسنده با بازسازی دقیق فضای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عربستان پیش از اسلام، زمینه‌ ظهور پیامبر را به تصویر می‌کشد. این همان بخشی است که معمولاً در بسیاری از روایت‌های مذهبی نادیده گرفته می‌شود. در حالی که بدون شناخت آن جامعه، عظمت تحول پیامبر نیز به درستی درک نخواهد شد

close ups  
نمای نزدیک

ادبیات داستانی ایران، بر خلاف شعر آیینی، کمتر توانسته

است به شخصیت پیامبر اکرم (ص) نزدیک شود. اگر درباره عاشورا، دفاع مقدس یا حتی شخصیت‌های تاریخ اسلام ده‌ها رمان و داستان نوشته شده‌است، درباره زندگی پیامبر اسلام هنوز با خلّای جدی روبه‌رو هستیم. علت این کمبود، بیش از آنکه فقدان سسوزه باشد، دشواری روایت است؛ چگونه می‌توان درباره شخصیتی نوشت که هم یک شخصیت تاریخی است، هم بنیانگذار بزرگ‌ترین تمدن دینی جهان اسلام و هم بسّری میلیون‌ها مسلمان، مقدس‌ترین انسان تاریخ؟

■ ■ ■

این پرسش، سال‌هاست پیش روی نویسندگان ادبیات دینی قرار دارد و بسیاری از آنان ترجیح داده‌اند اساساً به این میدان وارد نشوند. در چنین شرایطی، مجموعه «آنگ آن یتیم نظر کرده» نوشته محمدرضا سرشار که از سوی انتشارات سوره مهر

منتشر شده، تنها یک رمان تاریخی نیست؛ پاسخی عملی به همین پرسش است. سرشار بیش از آنکه بخواهد زندگینامه پیامبر (ص) را بازنویسی کند، کوشیده است امکان روایت را بیازماید؛ اینکه چگونه می‌توان میان سند تاریخی، تخیل ادبی و حرمت شخصیت پیامبر تعادل برقرار کرد. همین ویژگی، این مجموعه را به یکی از مهم‌ترین تجربه‌های ادبیات داستانی دینی در چهار دهه اخیر تبدیل کرده‌است.

یکی از آسیب‌های رایج آثار مذهبی، تبدیل شخصیت‌های تاریخی به چهره‌هایی دور از دسترس است؛ شخصیت‌هایی که تنها با یاد ستایش شوند و نه شناخته. نتیجه چنین رویکردی، شکل‌گیری آثاری است که اگرچه از نظر اعتقادی ارزشمندند، اما از منظر ادبی، کمتر موفق به برقراری ارتباط با مخاطب می‌شوند.

محمدرضا سرشار آگاهانه از این دام فاصله می‌گیرد. او پیامبر را در متن زندگی روایت می‌کند؛ در کوچه‌های مکه، در میسان روابط قبیله‌ای، در بازار، در خانسواده و در جامعه‌ای که هنوز بعثت در آن

رخ نداده است. این انتخاب، اهمیت فراوانی دارد؛ زیرا مخاطب پیش از آنکه با پیامبری مواجه شود که رسالت جهانی بر دوش دارد، با انسانی روبه‌رو می‌شود که در دل همان جامعه رشد کرده و قرار است آن را دگرگون کند.

از همین منظر، «آنگ آن یتیم نظر کرده» بیش از آنکه درباره یک فرد باشد، درباره یک جامعه است. نویسنده با بازسازی دقیق فضای اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی عربستان پیش از اسلام، زمینه‌ ظهور پیامبر را به تصویر می‌کشد. این همان بخشی است که معمولاً در بسیاری از روایت‌های مذهبی نادیده گرفته می‌شود. در حالی که بدون شناخت آن جامعه، عظمت تحول پیامبر نیز به درستی درک نخواهد شد.

ویژگی مهم دیگر مجموعه، نسبت آن با تاریخ است. در ادبیات تاریخی، همواره این خطر وجود دارد که نویسنده برای جذاب‌تر شدن روایت، از مرز واقعیت عبور کند. امسا در روایت زندگی پیامبر، چنین آزادی‌ای وجود ندارد. نویسنده ناگزیر است به منابع معتبر تاریخی و روایی وفادار بماند و در عین حال،

اثری خلق کند که مخاطب آن را همچون یک رمان دنبال کند، نه یک کتاب تاریخ.

سرشار این دشواری را با تکیه بر پژوهشی گسترده پشت سر گذاشته است. سسال‌ها مطالعه منابع کهن اسلامی، بررسی روایت‌های مختلف و دقت در جزئیات تاریخی، سبب شده است داستان، بر بستری مستند شکل بگیرد. در نتیجه، تخیل نویسنده نه در تغییر تاریخ، بلکه در جان‌بخشیدن به تاریخ به کار گرفته می‌شود.

اما شاید مهم‌ترین ارزش این مجموعه، احیای جایگاه «رمان دینی» در ادبیات معاصر ایران باشد. سال‌هاست که از ضرورت تولید آثار فاخر درباره شخصیت‌های دینی سخن گفته می‌شود، اما کمتر اثری توانسته است هم معیارهای ادبی را رعایت کند و هم مخاطب عام را با خود همراه سازد. «آنگ آن یتیم نظر کرده» نشان می‌دهد؛ ادبیات دینی، اگر بر پژوهش، شناخت روایت و زبان داستان استوار باشد، می‌تواند از مرز مخاطبان خاص عبور کند. امروز، در عصر تصویر و شبکه‌های اجتماعی، نسل جدید بیش از هر زمان دیگری با روایت‌ارتباط برقرار می‌کند. برای این نسل، صرف انتقال اطلاعات تاریخی کافی نیست؛ او می‌خواهد شخصیت‌ها را لمس کند، با آنها زندگی کند و جهان را از زاویه نگاه آنان ببیند. این همان ظرفیتی است که رمان در اختیار نویسنده قرار می‌دهد و سرشار از آن به خوبی بهره برده است.

نثر مجموعه نیز در همین راستا قابل توجه است. نویسنده نه به زبان کاملاً امروزی پناه می‌برد و نه گرفتار تکلف نثر کهن می‌شود. او زبانی می‌آفریند که هم رنگ‌وبوی تاریخ را دارد و هم برای مخاطب امروز روان و خواندنی است. این تعادل، یکی از عوامل ماندگاری اثر است.

در آستانه سالروز رحلت پیامبر اکرم (ص)، بازخوانی این مجموعه تنها مرور یک کتاب نیست؛ بازخوانی تجربه‌ای موفق در ادبیات معاصر ایران است. تجربه‌ای که نشان می‌دهد، همان‌هم می‌توان درباره پیامبر اسلام اثری داستانی نوشت که هم از نظر تاریخی معتبر باشد، هم از منظر ادبی قابل دفاع و هم برای مخاطب امروز جذاب.

شاید مهم‌ترین درس «آنگ آن یتیم نظر کرده» همین باشد که ادبیات دینی، زمانی ماندگار می‌شود که به جای تکرار دانسته‌ها، تجربه زیستن تاریخ را برای مخاطب ممکن کند. محمدرضا سرشار در این مجموعه، پیامبر را از قاب خشک روایت‌های تاریخی بیرون نمی‌آورد، بلکه تاریخ را چنان روایت می‌کند که خواننده خود را در متن آن احساس کند.

در روزگاری که بیش از هر زمان دیگری به بازخوانی سیره نبوی نیاز داریم، چنین آثاری تنها یک محصول فرهنگی نیستند؛ آنها تلاشی برای نزدیک کردن نسل امروز به سرچشمه هویت اسلامی‌اند. «آنگ آن یتیم نظر کرده» از همین رو، فقط یک مجموعه رمان نیست؛ یکی از مهم‌ترین تجربه‌های رمان نویسی دینی در ادبیات معاصر فارسی است. تجربه‌ای که نشان می‌دهد می‌توان درباره پیامبر (ص) نوشت، بی‌آنکه از شأن قدسی او کاسته شود و بی‌آنکه ادبیات، جای خود را به گزارش تاریخی بدهد.

کتاب

«رسم پروانه شدن»

## از عشق و معنویت شهید چراغچی می‌گوید

نویسنده «رسم پروانه شدن» گفت: در نگارش این کتاب برای اینکه از حالت تکراری و کلیشه‌ای زندگی‌نوشت شهید فاصله بگیرم، از فرمی استفاده کردم که نه تنها خواندن کتاب را برای مخاطب مشکل نکند، بلکه بسیار متفاوت، ساده، راحت، روان و قابل فهم باشد.

سمیه کاتبی، نویسنده «رسم پروانه شدن»، گفت: وقتی تماس گرفته شد و برای نگارش، چند شهید به من معرفی شد، اولیتم این بود که زندگی شهیدی را بنویسم که هم‌استانی خودم باشد. دلم می‌خواست از شهیدی بنویسم که کمتر شناخته شده یا کمتر اسمش برده شده باشد. او ادامه داد: زمانی که تصمیم گرفتم از شهید ولی‌الله چراغچی مسجدی بنویسم، اطلاعات خیلی کمی در جست‌وجوهای اینترنتی وجود داشت و مجموعه اطلاعات یا کتابی پیدا نکردم که در مورد این شهید نوشته شده باشد. به همین دلیل خیلی خوشحال بودم که برای شهیدی کار می‌کنم که هنوز برایش کتابی نوشته نشده است. ضمن اینکه من در حین پرس‌وجو متوجه شدم با شهید تقریباً هم‌استانی هستم و فاصله نیشابور و مشهد زیاد نیست که بتوانم با خانواده شهید ارتباط برقرار کنم. کاتبی افزود: یکی از آشناهایم هم‌رده سرشار چراغچی بود و این امکان را فراهم کرد که راحت‌تر با خواهر، برادر شهید و همسر شهید ارتباط برقرار کنم و چون اطلاعات خیلی کمی هم درباره شهید در فضای اینترنت وجود داشت، اطلاعاتی که خانواده شهید به من دادند بسیار ناب بود و جایی گفته نشده بود.

او درباره اطلاعاتی که به واسطه گفت‌وگو با خانواده شهید و تحقیقاتش کسب کرده، عنوان کرد: در پژوهش‌هایم متوجه شدم که فامیلی شهید به شغل پدربزرگ‌شان ربط داشته و اینکه ایشان از مسجد گوهرشاد چراغچی حرم بودند. من همین نکته را در یک بخش از کتاب آوردم و سعی کردم بخشی از مطالب را به پدربزرگ شهید ربط دهم. همچنین در حین پژوهش‌ها به این رسیدم که عمه شهید سال ۵۶ در تظاهراتی که بر علیه رژیم انجام می‌شده با یکی از دوستان‌شان در خیابان خسروی روز زیر تانک رفته‌اند و این نشان می‌داد این خانواده چقدر از لحاظ فکری و اجتماعی غنی و فعال بودند. او ادامه داد: از خاطرات خواهر شهید متوجه شدم که خانواده شهید چراغچی خانواده‌ای بسیار متمول و ثروتمند بودند، طوری که پدر شهید حتی دلش نمی‌خواست که پسرانش درس بخوانند، در حالی که چنین شرایطی برای شهید اصلاً اهمیتی نداشت؛ او به خیلی چیزها پشت پا می‌زد و خود را با ریاضت آماده می‌کرده، طوری که گویا می‌دانسته می‌خواهد چنین مسیری را برود. او می‌دانسته چنین مسیری با تفریح و خوش‌گذرانی طی شدنی نیست. شهید چراغچی انسان بسیار شادی بوده و خاطرات جالبی از ایشان وجود دارد.

این نویسنده درباره ویژگی‌های «رسم پروانه شدن» شرح داد: در نگارش کتاب برای اینکه از حالت تکراری و کلیشه‌ای زندگی‌نوشت شهیدا فاصله بگیرم، فرم‌های متفاوت‌تری را که معمولاً در این مجموعه‌ها اصلاً استفاده نمی‌شود، به کار گرفته؛ از فرمی استفاده کردم که نه تنها خواندن کتاب را برای مخاطب مشکل نکند، بلکه بسیار متفاوت، ساده، راحت، روان و قابل فهم باشد. این نویسنده درباره نکاتی که در راستای متفاوت شدن کتاب «رسم پروانه شدن» در نظر گرفته، اظهار کرد: در خاطرات مادر شهید متوجه شدم که شهید چراغچی قد و قامت رشیدی داشته و به همین خاطر از قد و قامت شهید که رستم‌گونه بود و همسر شهید که تهمینه‌نام داشت، بهره گرفتم و سعی کردم در بخش عاشقانه کتاب و زمانی که از همسر شهید می‌گویم، به بخشی از شاهنامه هم اشاره کنم.

او ادامه داد: یک بخش کتاب به خاطرات همسر شهید در مسجد گوهرشاد اختصاص دارد و عکس‌نوشت است و گویا شهید عکس‌هایی که با همسرش گرفته را برای دخترش توضیح می‌دهد و یادآوری خاطرات می‌کند. داستان آخر هم داستان نامه است و به این موضوع اشاره دارد که در سال‌های ۴۰ که ارتباطات به شکل کنونی نبوده و بیشتر نامه‌انجام می‌شده است، موجی راه افتاده بوده که بچه‌ها یا دانش‌آموزان برای کسانی که پشت جبهه فعالیت می‌کردند، نامه می‌نوشتند. در آن برهه دانش‌آموزان سعی داشتند با نامه‌هایشان کسانی که پشت سنگرها بودند را دلداری دهند و به آنها بفهمانند که ما قهرمانان هستیم. من این موضوع را با عنوان «یک نامه کم بود» در کتاب «رسم پروانه شدن» نوشتم. در این بخش خواهر و برادر که از پدرشان خبری نیست، نامه‌ای می‌نویسند که از قضا به دست شهید چراغچی می‌رسد. کاتبی در بخش دیگری از سخنانش به ۱۱ داستان مجزا «رسم پروانه شدن» اشاره کرد و افزود: هر کدام از داستان‌ها در مورد یک موضوع است. قسمت‌های اولیه کتاب به نوجوانی و جوانی و ازدواج شهید پرداخته و بخش دوم به جنگ و فضای جنگ و عملیاتی که شهید در آن شرکت داشته، اختصاص دارد.

او هدف اولیه خود برای نگارش «رسم پروانه شدن» را آشنایی بیشتر مخاطبان با شهید چراغچی معرفی کرد و یادآور شد: با توجه به متونی که درباره شهدا نوشتم، متوجه شدم اصلاً طرز تفکر شهدا بسیار متفاوت از دیگران بوده و گویا یک نگاه فرآسانی به موضوعات داشته‌اند. به عبارتی هر چند بیشتر در نگارش جلوفتم، به چیزهای خیلی عجیب‌تری رسیدم و متوجه شدم این افراد چه تفکری داشتند و چطور توانستند از عزیزترین چیزها و افراد زندگی‌شان بگذرند. در «رسم پروانه شدن» سعی کردم همین نکته‌ها را به شکل بسیار جذاب و دلنشین به مخاطب بگویم. این نویسنده سپس به تجربه عجیبش در نگارش «رسم پروانه شدن» اشاره کرد و گفت: من اطلاعات جنگی نداشتم و آدم‌های اطرافم هم با جنگ غریبه بودند و صرفاً اطلاعاتم از جنگ به چند فیلمی که در تلویزیون دیده بودم یا چند کتاب، محدود می‌شد، ولی آنچه در زمان نوشتن برآم اتفاق افتاد و من را متحیر کرد، این بود که هر وقت گرهی در کارم ایجاد می‌شد و از شهید کمک می‌خواستم یا به خودش متوسل می‌شدم، به ران برآم باز می‌شد. شهید چراغچی اعتقادات مذهبی خیلی بالایی داشت واطمینان قلبی به راهی که در پیش گرفته بود و همین باعث شده بودایشان هم شاهد فتح‌الباب‌هایی باورکردنی شود. در بخش امداد غیبی هم یکی از خاطرات با این مضمون آمده که در یک عملیات که زم‌مندگان محاصره شده بودند و هیچ راهی برای دفاع نداشتند و مهمات تمام شده بود، خیلی اتفاقی دو قاطر که بار مهمات داشتند به سمتشان می‌رود. چنین مواردی خیلی برای خودم جذاب بود و به نظرم از اعتقاد قلبی این شهید نشئت می‌گرفت. او ویژگی ممتاز این شخصیت را همین اعتقاد و باور قلبی که به هدفش داشت، معرفی کرد و درباره عنوان «رسم پروانه شدن» تشریح کرد: دو دل بودم که این نام را برای کتاب انتخاب کنم یا نه، چون به نظر می‌رسید که کمی شعاری باشد، اما وقتی کتاب تمام شد، بر اساس اطلاعات به‌دست آمده و چیزهایی که شنیده بودم تصمیم گرفتم که همین عنوان را انتخاب کنم. احساس کردم که مراحل رشد یک پروانه، از پيله در آمدن و بعد پروانه شدن و پرواز کردن، برای همه شهدا بوده است. به نظر می‌رسید شهیدان یک مرحله خودسازی را پشت سر گذاشته‌اند و گویا زندگی آنها را برای این مرگ آماده کرده بود.

تجسمی

## دیوار نگاره «قرآن و مقاومت» در سالگرد شهادت اسماعیل هنیه

سینا رعیت‌دوست، طراح دیوارنگاره دومین سالگرد شهید اسماعیل هنیه، می‌گوید در این اثر تلاش شده است تا با تفتیق آیه‌های از قرآن، پرچم‌های ایران و فلسطین و رنگ‌های ایرانی اسلامی، مفاهیم جهاد، شهادت و مقاومت در قالبی واحد به تصویر کشیده شود. هم‌زمان با دومین سالگرد شهادت اسماعیل هنیه، دیوارنگارای با حمایت حوزه هنری انقلاب اسلامی در خیابان جمهوری تهران نصب شد. طراحی این اثر از محمدمان امامی و سینا رعیت‌دوست بر عهده‌داشته‌اند. سینا رعیت‌دوست درباره روند طراحی این دیوارنگاره اظهار کرد: از ابتدا تصمیم داشتیم محور اصلی اثر یک آیه قرآن باشد؛ آیه‌ای که به مفهوم جهاد، ایثار و شهادت اشاره دارد. از آنجا که این آیه قرار بود در قالب یک کتیبه اجرا شود، فرم کشیده حروف به مابین امکان را داد تا عناصر بصری دیگری را نیز در دل آن تعریف کنیم. اوادامه داد: در جریان طراحی، «الف»‌های آیه به میله‌های پرچم تبدیل شدند و پرچم‌های ایران و فلسطین نیز در فضای میان حروف شکل گرفتند. به این ترتیب، متن قرآن و نماد مقاومت در یک ساختار واحد با هم ترکیب شدند و هیچ کدام عنصری جدا از دیگری نیستند. این طراح درباره انتخاب رنگ‌های اثر نیز گفت:



که این موضوع می‌توانست مخاطب را بیشتر با مفهوم آیه آشنا کند. البته کتیبه بیش از آنکه با هدف خوانش مستقیم طراحی شده باشد، واجد کارکرد بصری و زیبایی‌شناسانه است.

وی در پایان با اشاره به ارتباط این دیوارنگاره با فضای عاشورا و اربعین گفت: پرچم یکی از مهم‌ترین نمادهای راهپیمایی اربعین است و از فاصله دور نیز بیش از هر چیز به چشم می‌آید. تلاش کردیم با استفاده از این نشانه، پیوندی میان مفهوم آیه، فرهنگ مقاومت و حال‌وهوای اربعین در این اثر ایجاد کنیم.